

نشانه های فاسق چیست؛ به چه کسی فاسق گفته می‌شود؟

Mentazer Mentazer

مهم‌ترین نشانه های فاسق کدامند؟

هر موجودی در نظام آفرینش یک حالت طبیعی و نرمال دارد و اگر از آن حالت خارج شود، غیرطبیعی نامیده می‌شود؛ برای مثال گربه در حالت عادی و از روی غریزه عاشق شکار موش است و نسبت به موش رغبت دارد، پس اگر با گربه‌ای مواجه شدیم که از موش فرار می‌کند و می‌ترسد، این گربه قطعاً غیرطبیعی است. یا مثلاً گوسفند در حالت عادی میل به علف خوردن دارد و دستگاه گوارشش نمی‌تواند گوشت را هضم کند؛ در نتیجه اگر گوسفندی به جای علف خوردن به گوشت‌خواری روی بیاورد، حتماً سیستم بدنش دچار نقص شده و از حالت تعادل فاصله گرفته است.

خروج از حالت تعادل در مورد انسان هم اتفاق می‌افتد، اما نکته مهم اینجاست که در مورد انسان، این مسئله تنها به بُعد جسمانی محدود نمی‌شود؛ بلکه اتفاقاً مهم‌ترین انحراف انسان از نقطه تعادل در بعد روحانی و معنوی اتفاق می‌افتد؛ چون حقیقت انسان بعد روحانی وجود اوست، نه بعد جسمانی؛ در نتیجه ممکن است شخصی ظاهری کاملاً طبیعی داشته و از توانایی‌های بدنی به حد کافی برخوردار باشد، اما در باطن غیرطبیعی بوده و فاسق نامیده شود.

اما نشانه های فاسق یا غیرطبیعی بودن چیست و چگونه انسان از حالت تعادل فاصله می‌گیرد؟

در مورد فسق در درس‌های گذشته نیز صحبت کردیم. بحث فعلی نیز ادامه همان مباحث و تکمیل‌کننده آن‌هاست. در این درس به مهم‌ترین نشانه‌های فرد فاسق می‌پردازیم.

Mentazer Mentazer

فاسق و عدم اولویت‌بندی معشوق‌ها

برای آشنایی با مفهوم فسق ابتدا باید تعریف انسان و حالت طبیعی او را که در دروس گذشته به آن پرداختیم، مرور کنیم. گفتیم که انسان دارای پنج بُعد جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق عقلی است که در چهار بخش اول با دیگر موجودات مشترک است و تنها بعد **فوق عقل**، مختص اوست و به واسطه همین بعد، انسان نامیده می‌شود. از طرفی تمام ابعاد وجود انسان معشوق‌های مخصوص به خود را دارند و زمانی که به آن‌ها می‌رسند آرامش پیدا می‌کنند.

مثلاً بعد جمادی از داشتن پول زیاد، جواهرات الوان، سوار شدن در اتومبیل مدل بالا و زندگی در خانه وسیع و دلخواه لذت می‌برد. بعد گیاهی از خوردن غذاهای رنگارنگ و داشتن اندام و چهره زیبا لذت می‌برد. بعد حیوانی و عقلی هم هر کدام زوج‌های خاص خود را از کمالات حیوانی و عقلی دارند، اما معشوق بخش انسانی ذات مقدس خداوند است. عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) و جهاد در راه خدا هم از دیگر معشوق‌های بخش انسانی هستند که هردو از عشق به خدا نشأت می‌گیرند؛ چون اهل بیت (علیهم‌السلام) عالی‌ترین مظاهر خداوند هستند و بدون الگوگیری و اطاعت از ایشان، رسیدن به خدا غیرممکن است و جهاد در راه خدا هم در حقیقت مبارزه با همه موانع رسیدن به خداست.

پس اگر کسی به معنای حقیقی «انسان» باشد، باید این سه معشوق در رأس معشوق‌ها و اولویت‌های زندگی‌اش باشد و اگر جز این باشد، فرد به بیماری فسق مبتلا شده و از حالت طبیعی خارج شده است. خداوند درباره نشانه‌های فاسق می‌فرماید: «...اگر پدرانان، فرزندانان، برادرانان، همسرانان، خویشانان، اموالی که فراهم آورده‌اید، تجارتی که از بی‌رونقی و کسادیش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آنها دل خوش کرده‌اید، نزد شما از خدا، پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.»^۱

«فَلْإِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَوِّضُوهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه، ۲۴)

نکته مهم و قابل توجه اینجاست که ممکن است فردی الله، اهل بیت (علیهم‌السلام) و جهاد در راه خدا را دوست داشته و یک عمر هم عبادت کرده باشد، اما همچنان فاسق باشد؛ زیرا صرف علاقمندی به خدا و اهل بیت کافی نیست، بلکه این معشوق‌ها باید در رأس سایر معشوق‌های ما باشند، یعنی بین داشتن ثروت زیاد و جهاد مالی در راه خدا انتخاب دومی برای ما شیرین‌تر و لذت‌بخش‌تر و یا حتی حیاتی‌تر باشد؛ در نتیجه کسی که جهاد در راه خدا را رها می‌کند و به کار دیگری می‌پردازد، ولو آن کار امر مقدسی مثل تحصیل علم باشد، فاسق است.

البته این به معنای بی‌احترامی به ابعاد دیگر وجود نیست. معشوق‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی، همگی محترم و اتفاقاً وسیله و ابزار ما در رسیدن به خدا هستند؛ اما بحث بر سر ترجیح دادن آن‌ها به سه معشوق اول است و درواقع، این ترجیح دادن است که انسان را دچار فسق می‌کند. عدم تنظیم نظام محبتی یا فسق، آثار و نشانه‌هایی دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

نشانه‌های فاسق چیست؟

یکی از نشانه‌های فاسق این است که آرامش و شادی درونی ندارد؛ چون برای این فرد معشوق‌های محدود جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی، محبوبتر از معشوق‌های بخش انسانی هستند و دائماً مشغول آن‌هاست؛ درحالی‌که نفس بی‌نهایت‌طلب ما خواهان کمال بی‌نهایت یا الله است و هرگز با کمالات و معشوق‌های محدود ارضاء نمی‌شود. همه ما در اطراف خود، نمونه‌های بسیاری از این افراد را دیده‌ایم؛ مثل افراد ثروتمندی که با وجود داشتن اموال زیاد، احساس رضایت و آرامش ندارند و همچنان به دنبال ثروت بیشتر هستند. غم، غصه و اضطراب از دیگر نشانه‌های فاسق است. شخص فاسق دائماً اضطراب و نگرانی از دست دادن معشوق‌های پایینی را دارد و با از دست دادن آن‌ها، دچار غم و غصه می‌شود.

زودرنجی، عصبانیت، دعوا، درگیری، احساس پوچی و بسیاری از مسائل و مشکلات دیگر همگی از آثار و نشانه های فاسق است؛ چون مهندسی و چینش درست معشوق‌ها در او وجود ندارد و وقتی نظام محبتی به هم بخورد، در واقع تعادل نفس به هم خورده است.

لذت نبردن از عبادت و خلوت با خداوند از دیگر نشانه های فاسق است. چنین فردی از تبدیل نماز چهار رکعتی به دو رکعتی در سفر خوشحال می‌شود، یا کارهایی مثل تماشای فیلم یا تماس تلفنی با فرد مورد علاقه، برایش لذت‌بخش‌تر از راز و نیاز و خلوت با خداوند است. به عبارتی یک فرد فاسق، رابطه عاشقانه‌ای با خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) ندارد و در اوقات تنهایی به جای مناجات عاشقانه با خداوند، احساس کسالت و افسردگی می‌کند. فرد فاسق، نظام محبتی خود را بر اساس حالت طبیعی و انسانی تنظیم نکرده و در انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، رفتارها و افکارش، براساس معشوق بخش انسانی عمل نمی‌کند.

در این درس به نشانه های فاسق پرداختیم. به این منظور ابتدا انسان را تعریف کرده و گفتیم که حقیقت انسان، بخش انسانی یا فوق عقل اوست که عاشق کمال بی‌نهایت یا الله است؛ بنابراین به طور طبیعی باید الله، معشوق اصلی و حقیقی او بوده و بخش انسانی او بر بخش‌های دیگر غلبه داشته باشد. حال اگر برای فردی، معشوق‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی، محبوبتر از معشوق‌های بخش انسانی، یعنی الله، اهل بیت (علیهم‌السلام) و جهاد در راه خدا باشد، به این معنی است که او غیرطبیعی و فاسق است. از نشانه‌های یک فرد غیرطبیعی و فاسق این است که به دلیل مشغول بودن به کمالات و معشوق‌های محدود، شادی و آرامش درونی ندارد؛ چون حقیقت او بی‌نهایت‌طلب است و با کمالات محدود ارضاء نمی‌شود. علاوه بر این مسائلی مثل زودرنجی، عصبانیت، دعوا یا ناامیدی نیز از نشانه های فاسق است.

نظر شما درباره فسق چیست؟ آیا می‌توانید موارد دیگری از نشانه های فاسق را نام ببرید؟